

۱. ایران در مقابل تمامی استکبار
۲. تلاش کنید این بار دیر نشود!
۳. وای اگر خامنه‌ای حکم جهادم دهد
۴. فخرایران



ایران، در مقابل تمام استکبار

مهدی تقیون مایان

یکی از به یادماندنی‌ترین بازی‌های تیم ملی ایران در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه، در مقابل آمریکا برگزار شد. بازی که بسیار حساس‌تر و جنجالی‌تر از اتفاقات داخل مستطیل سبز بود. یکی از حواشی این رقابت حضور سازمان تروریستی منافقین در ورزشگاه محل برگزاری بازی بود. سفیر وقت ایران در فرانسه می‌گوید: «علی‌رغم هماهنگی‌های زیادی که با پلیس ورزشگاه جهت ممانعت از حضور افراد مشکوک کرده بودیم، باز هم منافقین سکوهای روبه روی دوربین‌ها را اشغال کرده بودند تا با ایجاد فضای سنگین روانی روی بازی بازیکنان تیم ملی ایران تأثیر منفی بگذارند». از آن بازی تقریباً بیست و چهار سال گذشته است و ایران این بار در سیاسی‌ترین گروه جام جهانی با انگلیس، آمریکا و ولز هم‌گروه است. پروژه تحریم ورزش ایران از ماه‌ها قبل از طرف مزدوران استکبار شروع شد و با نزدیک‌تر شدن به جام جهانی، نوک پیکان این تلاش‌ها به سمت فوتبال ایران نشانه گرفته شد. از لغو بازی تدارکاتی ایران با کانادا، تا نامه‌ها و درخواست‌هایی که از طرف خودروخته‌های

مکتب، امتداد، بقاء

نگاهی به مواجهه مکتب با خوانش‌های مختلف از خود

اصلی است؛ لذا در مقابل، گروهی قرار دارند که قرائت‌شان از مکتب نه تنها «بغی» نیست؛ بلکه مورد تأیید قرآن کریم است و در بستر صراط مستقیم تعریف می‌شود.

تفریع‌ها، ضامن بقاء مکتب

چنانچه مکتب امتداد نظری و عملی پیدا نکند، زنده نخواهد ماند. در واقع برای آنکه مکتب بتواند در تطبیق با اقتضائات زمان، حرکت کند، ضرورتاً می‌بایست تفریع داشته باشد. لذا اصل تفریع و ارائه خوانش‌های مختلف از مکتب نه تنها مذموم نیست؛ بلکه ضامن بقای آن نیز هست. چنانچه از حضرت رضا (علیه السلام) نقل است که «عَلَيْنَا الْإِقَاءُ الْأَصُولُ وَعَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ». اساساً سیره اهل بیت (علیهم السلام) در طبقه‌بندی شاگردان و ارجاع مخاطبین مختلف به آنان و ارسالشان به‌عنوان مبلغ نیز مؤید چنین عملکردی است. بنابراین، به رسمیت شناختن خوانش‌ها، امری ضروری برای مکتب است؛ اما صحبت بر سر این است که این فروعات آیا در امتداد مکتب هستند و در نتیجه موجب پیشبرد صراط مستقیم خواهند شد یا مسیری انحرافی است؟

در تطبیق چنین مناسباتی با مکتب اسلام، باید گفت کاملاً طبیعی است که ما با «اسلام‌ها»

به معنای وجود تنوع در نوع

اهل بغی یا اهل حق؟

مکتب مختلف فکری، دارای مبانی و بنیان‌هایی هستند که در نوعی دیالکتیک، بین این مبانی و فروعاتی که از مبانی خارج می‌شود، مدام، خود را احیا می‌کنند. چنانچه این فروع،

توسط مکتب به رسمیت شناخته نشوند، چیزی که تحقق پیدا می‌کند، نوعی تکثر خوانش خواهد بود. در همین نقطه است که شاهد برخاستن نخله‌های مختلف از مکتب هستیم.

قرآن کریم صراحتاً می‌فرماید، نخستین اختلاف‌ها، دقیقاً پس از بعثت انبیاء بین جوامع بشری، رخ داد. در واقع خوانش‌های مختلفی که از اصول وحیانی پیامبران، ارائه شد، بذر تکثرهای نظری و عملی را کاشت. به‌نحوی که برخی از این خوانش‌های اساساً هیچ اتصالی به اصول حقیقی نداشتند.

در این نگاه، قرائت‌های فرعی که از اصول می‌شود، گاه از مسیر کاملاً جدا است و درست مثل یک جاده فرعی از جاده اصلی منحرف می‌شود که نام آن را «بغی» می‌گذاریم و گاه در امتداد مسیر اصلی است که سبب تکامل مسیر و پیشبرد هر چه بیشتر آن می‌شود که حرکت در امتداد «صراط مستقیم» یا همان جاده

سرمقاله



رضا نادمی راد

ادامه در صفحه ۳





امام روح الله (ع) مقام زن مسلمان

حضرت زینب (ع) در مقابل حکومت‌های جبار ایستاد و آن خطبه را خواند و آن حرف‌ها را زد که همه می‌دانید؛ زنی که در مقابل یک جباری ایستاد. که اگر مردها نفس می‌کشیدند همه را می‌کشتند. و نترسید و ایستاد و محکوم کرد حکومت را، یزید را محکوم کرد. به یزید فرمود تو قابل آدم نیستی، تو انسان نیستی. زن یک همچو مقامی باید داشته باشد.

صحیفه امام، جلد ۷، صفحه ۳۴۰

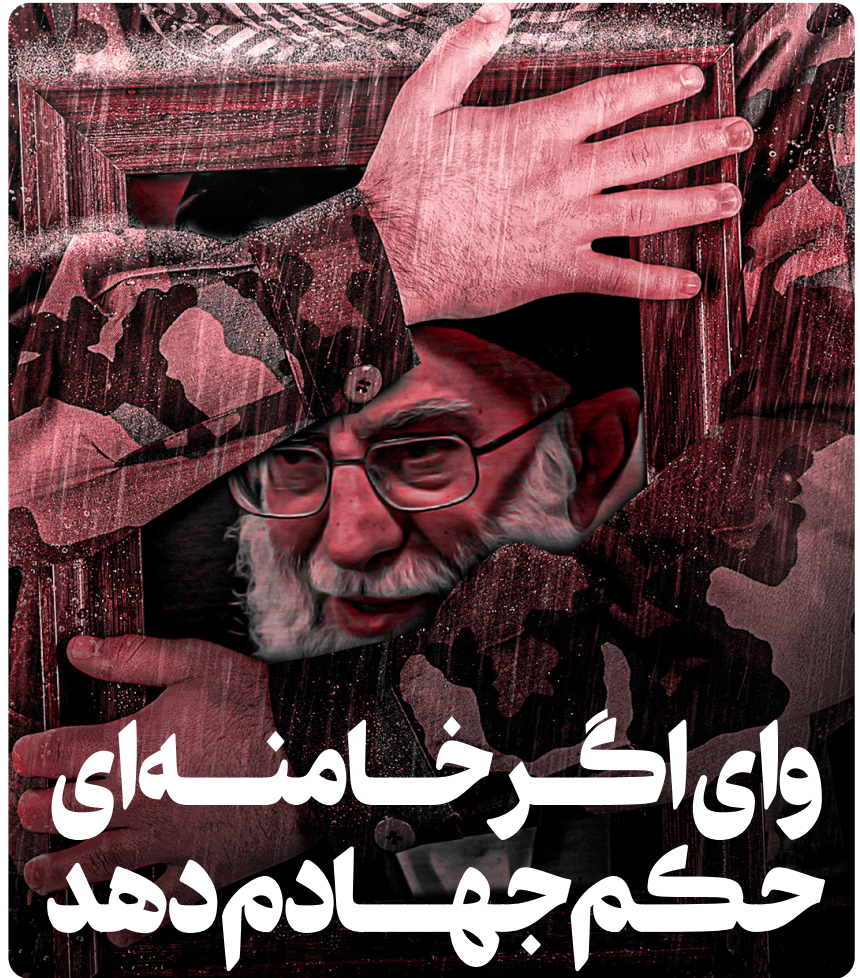
تلاش کنید، این بار دیر نشود!

امیررضا محمدی

بخشی از مردم دیگر به آن اعتماد ندارند؛ زیرا که آن را جزئی از خودشان نمی‌دانند. این اتفاق در اثر فعالیت زیاد رسانه ملی در جهت درمان مشکل بوده نه پیشگیری از آن. امروز احساس می‌شود صداوسیما ساختار با رنگ و بوی امنیتی داشته باشد تا فرهنگی. به گونه‌ای که مسائل و مشکلات تا زمانی که وارد مرحله‌ی امنیتی نشده‌اند انگار وجود ندارند و مشکل ما دقیقاً همین جاست و راه حل را نیز باید در همین مورد جست‌وجو کرد؛ یعنی تغییر در ساختار و این یعنی تغییر در فکر و خود اعضایی که این ساختار را تشکیل می‌دهند. اگر از همان ابتدا افراد فرهنگی متخصص در بطن کار بودند. شاید امروزه اوضاع به نحوی دیگر بود. البته باید توجه داشت که مشکلات اخیر ساختاری در رسانه ملی یک‌شبه ایجاد نشده؛ بلکه حاصل سال‌ها نقص در دیدگاه‌ها و نبود افراد متخصص است. مشکل دیگر صداوسیما که باعث مشکلات اخیر شده است، این است که از رسالت اصلی خود یعنی تولید محتوای سالم به سمت یک دستگاه تولید سلبریتی منفعت‌پرست حرکت کرده است که برنامه‌های تولید و گزارش کاری را پر می‌کنند. در مقابل نیز رسانه‌های خارجی و معاند با تعداد چند صد رقمی‌شان، روزبه‌روز برنامه‌های متنوع‌تر و مردم‌پسندتر پخش می‌کنند تا در نهایت پشت شبکه‌های انگشت‌شمار صداوسیما ملی را به خاک بمالند. البته گفتن این مورد نیز خالی از لطف نیست که اخیراً صداوسیما کارهای مثبت بسیار زیادی نیز انجام داده است که امید به تغییر در خودش را نشان می‌دهد هرچند امید است مسئولین رسانه‌ای‌مان کمی تخصصی و فرهنگی به قضایا نگاه کنند و به برنامه‌هایشان بیشتر رنگ مردمی بدهد تا باز هم مثل همیشه دیر نشود!

چند روز پیش بود که برای رفتن به جایی سوار مترو شدم؛ چند دقیقه از حرکت مترو نگذشته بود که زنی با سردادن شعاری با صدای بلند همه توجه‌ها را به خود جلب کرد. اما هیچ صدایی در جواب به آن بلند نشد. چند دقیقه بعد دوباره شعار خود را تکرار کرد این بار هم جز تعداد انگشت شماری کس دیگری توجهی به آن نکرد تا اینکه در دفعه سوم مردم حاضر در مترو شروع به تمسخر شعاردهندگان کردند که هیچ صدایی دیگر بلند نشد. این داستان و داستان‌های دیگر که شاید شنیده و یا دیده باشید نشان از چیزی دارد و آن نداشتن پایگاه مردمی اغتشاشگران میان مردم است. اما شاید با خود بگویید که واقعیتی که ما آن را قبول کرده‌ایم چیز دیگری است. کل کشور در آشوب است، مردم همه ناراضی‌اند و زک بگویم نظام جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است! پس علت این اختلافات در آنچه می‌بینیم و می‌شنویم در چیست؟ جوابش این است که کشور ما درگیر مشکلی است به نام عدم مدیریت رسانه‌ای؛ البته بیشتر بحرانی است که به سمت فاجعه شدن در حرکت است. در فضای رسانه امری وجود دارد که اگر بخواهید روایت شما مورد قبول واقع شود باید اولین روایت را شما مطرح کنید چرا که عموماً در فضای رسانه‌ای، روایت اول، روایت پیروز است. اما امروزه برنده‌ی جنگ روایت‌ها دیگر فقط صداوسیما نیست؛ بلکه رقبای سرسخت وی هستند که به قدری بین مردم و مخاطبین خود اعتمادسازی کرده‌اند که حتی اگر روایتی را دیرتر نیز اعلام کنند باز هم کسانی هستند که آن را بپذیرند. برخی از فعالیت‌های مجموعه صداوسیما کاری کرده است که

داخلی به فیفا ارسال می‌شد؛ همه‌وهمه نشان از یک طراحی و برنامه‌ریزی منسجم از طرف دشمن بود. وقتی پروژه حذف تیم ملی ایران از جام جهانی شکست خورد، مرحله بعدی با فعالیت گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی برای ضربه‌زدن به کشور تحت عنوان عملیات روانی از طریق تروریسم رسانه‌ای آغاز شد. اتاق جنگ این عملیات هم دو شبکه تروریستی انگلیسی و سعودی manoto و Iran international بود. با اوج گرفتن آشوب‌ها و اغتشاشات در داخل ایران فضا برای افزایش فشار روی تیم ملی بیشتر شد. مصاحبه با بازیکنان سطح پایین فوتبال در خارج کشور و واکنش‌های نابخردانه و بعضاً مغرضانه چند چهره شاخص فوتبالی در داخل کشور عملاً پازل فشار روی تیم ملی را تکمیل کرد. نکته قابل توجه این جریان‌ها این بود که شاخص‌ترین رهبر مجازی آشوب‌ها هم یک چهره فوتبالی بود. علی کریمی بازیکن سابق تیم ملی قبل از اعزام تیم ملی به قطر و بعد از آن با ایجاد فشار روانی روی بازیکنان، در مرحله اول قصد همراه کردن بازیکنان با خود را داشته و بعد از محقق نشدن این هدف، در مرحله بعدی سعی در ایجاد دودستگی و تشویش در اردوی تیم ملی را داشت. سؤالات سیاسی و غیر فوتبالی خبرنگاران انگلیسی و آمریکایی در نشست‌های خبری قبل از بازی‌ها هم بخشی از این جنگ بود. نتایج این حملات و هجمه‌های رسانه‌ای را به طور واضح از همان شروع بازی اول ایران مقابل انگلیس دیدیم. بازی‌ای که بدترین شکست ایران در جام جهانی را رقم زد. وقتی سیر خبری دو ماه گذشته را مرور می‌کنیم، مشخص می‌شود که قرار است همان جنگ روانی جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه را پیاده کنند. اما این بار با حجم و پیچیدگی بسیار بالا. از آن طرف خود آمریکایی‌ها برای بازی ایران و آمریکا در حدود ۵ هزار بلیت برای تروریست‌های سنت‌گام خریدند تا آنها هم نشان دهند که این تقابل، فقط یک رویارویی فوتبالی محصور در مستطیل سبز نیست. این جام جهانی تجربه متفاوت و مهمی در عرصه همبستگی ملت ایران بود. چالشی از جنس فوتبال، ولی با هدفی بزرگ‌تر و فزاینده از شکست تیم ملی فوتبال ایران.



وای اگر خامنه‌ای حکم جهادم دهد

سیدعلی علمداری

ادامه از صفحه ۱
نگاهی که به این مکتب وجود دارد... مواجه باشیم. نه تنها در این مکتب بلکه در سایر مکاتب نیز چنین مناسباتی برقرار است. برای مثال مارکسیسم، دارای نحله‌های مارکسیسم ارتدکس، مارکسیسم لنینیسم، مارکسیسم ایدئالیستی، مارکسیسم اگزیستانسیالیستی و... است. بحث بر سر این نقطه است که «اسلام» در این خوانش‌های مختلف و فروعات معنای کاملاً متفاوتی دارد، یا آنکه اسلام در همه این خوانش‌ها به یک معنا است؟

کدام تفریع؟

نوع نگاه ما به مکتب و مبانی عمیق آن، تعیین می‌کند که چه مواجهه‌ای با قرآنت‌های مختلف از مکتب داشته باشیم؛ لذا احصاء این مبانی به ما کمک خواهد کرد تا تنها، رویکردهایی را بپذیریم که بر این مبانی بنا شده باشند. بسط و تفصیل‌هایی که از این مبانی کلان داده می‌شود، چنانچه مبتنی بر همان مبانی باشند، سبب ارتقاء ساختمان مکتب خواهد شد و اگر انطباقی با این مبانی نداشته باشند، ضرورتاً فرو خواهند پاشید؛ بنابراین، در حالت نخست، مضاف کردن مکتب به خوانش جدید، عین همان مکتب است. مانند تعریف اسلام به امتدادهای حقیقی خود، همچون اسلام ناب، اسلام شیعی و... اما در رویکرد دوم، مکتب در هر خوانش، معنای خاص خود را خواهد داشت که متفاوت از معنای حقیقی آن خواهد بود. مانند نوع نگاه به اسلام تحت عنوان اسلام سکولار، اسلام رحمانی و...

عینیت‌ها و غیریت‌ها

روشن است که این فرایند، سبب تعین بیشتر مکتب خواهد شد. لازمه این عینیت نیز طبیعتاً غیریت است. هر چه مکتب تفصیل بیشتری از خود ارائه دهد، بیشتر از غیر خود متمایز می‌شود.

مسئله غیریت‌ساز در مواجهه رویکردهای امتدادی به اسلام نیز مسئله امامت است. از امیرالمؤمنین (ع) نقل است که: «صَارَ مُحَمَّدٌ صَاحِبَ الْجَمْعِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ النَّشْرِ». اسلام محمدی، اسلام کشف و جمع و اسلام علوی نشر و تفصیل آن خواهد بود. در واقع امامت، فرایند تفصیل هر چه بیشتر مکتب و عینیت‌بخشی به آن است. به همین خاطر است که امیرالمؤمنین (ع) که متولی تفصیل و عینیت‌بخشی به مکتب است، عامل غیریت نیز هست.

نتیجتاً آنکه مکتب ضرورتاً در هر برهه باید تفصیل بیشتری یابد. این تفصیل، همان تفریع، امتداد و تعیین بخشی توسط شارحان اهل حق، در مقابل اهل بغی است که سبب عینیت بیشتر بنای مکتب و در نتیجه غیریت آن خواهد شد. زمانی یک شارح می‌تواند چنین عملکردی داشته باشد که در دو حوزه مجتهد باشد: مجتهد در مکتب و مجتهد در حوزه موضوعی خود. ما به چنین شارحی، مؤسس می‌گوییم. در این صورت خطا نخواهد بود که خوانش شارح مؤسس خوانش مختار و قابل تبعیت معرفی شود؛ همانگونه که اهل بیت (ع) با به رسمیت شناختن برداشت‌های شاگردان خود از مکتب، بر این فرایند، صحنه گذاشته‌اند.

حال در دوره معاصر اگر بخواهیم، شارحی را معرفی کنیم که به چنین نقطه‌ای دست یافته است که هم در بالاترین سطح از فهم از اسلام قرار گرفته باشد و هم آگاه به اقتضائات حاکم بر زمانه باشد نام چه کسی به ذهن متبادر خواهد شد؟

آری! اسلام خمینی، اسلامی است در چنین قواره!

می‌توان در برابر دشمن ایستاد و جهاد کرد. این تصور غلط باعث شده خودمان را در میدان نبرد نبینیم و دچار انفعال و تنبلی شویم. تفکر اشتباهی که سبب شده انقلاب از حرکت اصلی خود بازماند. بسیجی که امام دستور تشکیل آن را داد، بسیجی با روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر و حاضر در میدان، برای خدمت به مردم تولید می‌کرد. اما امروز برخی بسیجیان هنوز تصورشان از جهاد محدود به دوران دفاع مقدس است. این گروه تا زمانی که جنگ نظامی رخ ندهد، فعالیتی برای خود تعریف نمی‌کنند، گویی که به پوچی رسیده باشند. به همین خاطر هم خدمتی به جامعه‌ی خود نمی‌کنند، نسبت به حرف رهبر خود بی‌توجه می‌شوند، و این‌گونه بخش از بسیج باید بترسد؛ چرا که از ریل رسالت خود خارج شده است.

اگر این برداشت از جهاد اصلاح شود و هر لحظه خودمان را در میدان نبرد حس کنیم، تلاش می‌کنیم تا از این حالت رخوت و انفعال خارج بشویم. پس از آن است که می‌توانیم پا به میدان بگذاریم. آنجاست که می‌توانیم وارد میدان جهاد تبیین بشویم. میدانی که این روزها نیازمند تبیین‌گران بسیار است. عرصه‌ای که جای خالی جهادگران بیش از پیش در آن احساس می‌شود.

در این رابطه عجیب‌ترین این است که «ما»ی پرادعا، «ما»ی جان‌پرکف، «ما»ی گوش‌به‌فرمان باوجوداینکه این مسائل و مشکلات را در ماجراهای اخیر دیده‌ایم، باز هم حاضر نیستیم برای درمان نقص‌های خود دست‌به‌کار شویم و حرکتی در راستای جهاد تبیین و رفع مشکلات کنونی نکنیم. باید هوشیار بود، فرمان جهاد مدتهاست صادر شده است، هر کوتاهی ما ضربه‌ای به خودمان خواهد زد.

در خود فرو رفته بودم، در حال گوش‌دادن به مداحی‌هایی که در موبایلم داشتم، لیست مداحی‌ها رسید به آن مداحی که حسین طاهری می‌خواند: «وای اگر خامنه‌ای حکم جهادم دهد/ ارتش عالم نتواند که جوابم دهد». پس از شنیدنش، ذهنم مشغول شد. بیت شعری که خیلی از ما آن را شنیده‌ایم؛ مداحی‌ای که خیلی از ما با آن به شور و هیجان می‌آییم. با شنیدن این مداحی، سؤالی در ذهنم ایجاد شد: «آیا واقعاً زمانی که رهبری حکم جهاد بدهند، جان‌پرکف بر دشمن می‌تازیم؟»

پس از مدتی تفکر به نتیجه‌ای رسیدیم؛ بیش از یک سال است رهبر انقلاب فرمان جهاد تبیین را صادر کرده‌اند، پس از آن هم مکرر بر آن تأکید کرده‌اند. اما ولایه‌ها که از قضا نسبت به رهبری ارادت زیادی داریم و ادعا داریم منتظر حکم جهاد ایشان برای نبرد هستیم، در برابر حکم جهاد تبیین چه کردیم؟ چه واکنشی جز انفعال داشتیم؟

چیزی که تا الان مشهود است این است که جهاد تبیین تبدیل به یک سری همایش، هشتگ، تبلیغات، کتاب، بلیورد، گروه، پروژه شده است تا گزارشی برای مقام بالاتر باشد. هیچ‌کدام از ما وارد فاز عملیاتی جهاد تبیین نشده‌ایم؛ تنها کارمان این است که از هزاران زاویه آن را تحلیل و بررسی کنیم، اما حتی یک‌قدم هم روبه‌جلو بر نمی‌داریم.

تصورمان این است که جهاد یعنی اسلحه به دستمان بدهند و بگویند به میدان جنگ برو و بجنگ. این در حالی است که جهاد فقط تفنگ به دست گرفتن نیست، جهاد فقط با جان نیست، گاهی با مال هم هست، با مغز و فکر هم هست و با بسیاری از چیزهای دیگر هم می‌توان جهاد کرد. در واقع با هر استعدادی که خداوند در اختیار انسان قرار داده است،

فخرایران

به مناسبت دومین سالگرد شهادت دانشمند هسته‌ای شهید محسن فخری‌زاده

رستم ضیایی



«این عنصر علمی کم‌نظیر، جان عزیز و گران‌بها را به‌خاطر تلاش‌های علمی بزرگ و ماندگار خود، در راه خدا مبذول داشت و مقام والای شهادت، پاداش الهی اوست» برگرفته از پیام رهبر انقلاب در پی ترور دانشمند هسته‌ای شهید محسن فخری‌زاده ۱۳۹۹/۹/۸ |

هفتم آذرماه، دومین سالگرد شهادت دانشمند هسته‌ای دکتر محسن فخری‌زاده توسط مزدوران رژیم صهیونیستی بود. او، عهد خود با پروردگار متعال را صادقانه به سرانجام رساند و پاداش مجاهدت پنجاهساله را گرفت. شهید فخری‌زاده یکی از مهره‌های کلیدی و تأثیرگذار در زمینه تحقیق و توسعه دانش هسته‌ای کشورمان بود. آنها که دستور ترور محسن فخری‌زاده را به جوخه‌های ترور دادند، بی‌تردید در پوسته‌های خود در تل‌آویو و واشنگتن از او می‌ترسیدند؛ وگرنه سال‌ها به کمین نمی‌نشستند و بارها نقشه ترورش را به اجرا نمی‌گذاشتند. وی از جمله مجاهدان مخلص انقلاب بود که ترجیح داد تا گمنام بماند و به‌جای کسب شهرت و مقام متعده‌انه در راه پیشرفت علمی ایران اسلامی به‌ویژه در عرصه‌های دفاعی گام بردارد. اما در اهمیت و بزرگی و تأثیرگذاری این مرد بزرگ همین بس که برای مهار اندیشه‌اش، یکی از پیچیده‌ترین ترور قرن طراحی و اجرا شد. طراحان ترور باید بدانند که خون مجاهدان اسلام بر سلاح‌های مخوف آنها پیروز است و جوانان برومند ایران، راه شهادی هسته‌ای را ادامه خواهند و این راه بی‌رهرو نخواهد ماند. دو سال از فقدان شهید محسن فخری‌زاده، دانشمند هسته‌ای کشورمان، می‌گذرد. جایگاه مهم ایشان در پیشبرد پروژه‌های امنیتی و دفاعی که اجازه نمی‌داد اطلاعات و حتی تصاویری از ایشان در رسانه‌ها منتشر شود و شخصیت علمی و انسانی ایشان که کمتر مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است، باعث شد این چهره و شخصیت بزرگ نزد عموم ناآشنا باشد. این یادداشت قصد دارد از زبان برخی از بستگان، همکاران و دوستان شهید فخری‌زاده، گوشه‌هایی از زوایای پنهان و ناآشنای شخصیتی و تلاش‌های علمی ایشان برای عموم نمایان گرداند.

خود را پرورش یافته مکتب امام (ره) می‌دانست

«همیشه خودش را پرورش یافته مکتب حضرت امام (ره) می‌دانست و می‌گفت من کتاب‌های امام (ره) را از قبل از انقلاب به دست گرفتم و هنوز که هنوز است زمین نگذاشتم و آشنایی با امام و کتب امام (ره)، نقش بسیار مهم و مؤثری داشت تا به مسیر معرفت و به این مقام برسم.» حامد فخری‌زاد؛ فرزند شهید

متفکرانه فیزیک هسته‌ای را می‌دانست

«ایشان باتوجه به شناخت و نظارتی که در فلسفه‌ی علم داشت و نسبتی که بین فیزیک کوانتوم مکانیک با فلسفه‌ی اسلامی؛ یعنی حکمت متعالیه برقرار می‌کرد و علاقه‌ی خاصی که به حکمت متعالیه داشت، فیزیک هسته‌ای را متفکرانه می‌دانست.» حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه؛ استاد حوزه و دانشگاه و رئیس مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران

نیازهای زمان خودش را می‌شناخت

«در کنار این علم دارای خصوصیات جامع، اهل ادب، فلسفه و شعر بود. درعین حال نیازهای زمان خودش را می‌شناخت و می‌دانست در این زمان برای کارکردن باید خون داد، آبرو داد، زندگی داد و به عبارتی، زندگی خود را ویران کرد تا کشور خودش را آباد کند. مهربان و دلسوز بود. شنونده خوبی بود. می‌شنید و فکر می‌کرد و تصمیم می‌گرفت. به‌خاطر همین همه کسانی که با دکتر فخری‌زاده آشنایی دارند می‌دانند که با او راحت می‌توانستند حرف بزنند، چون حرف‌هایشان را کامل گوش می‌کرد و بعد اظهارنظر می‌کرد.» دکتر سید محمودرضا آقامیری، از دوستان شهید

از همه تعلقات غیر خدایی، جدا شده بود

«ایشان به نقطه‌ای رسیده بود که از همه تعلقات غیر خدایی، جدا شده بود. رازونیز شبانه و برپایی نماز شب از جمله ویژگی‌های وی بود، شهید فخری‌زاده تلاوت قرآن را تنها به‌منظور گرفتن پاداش انجام نمی‌داد؛ بلکه بهره‌ها و نکته‌های علمی از قرآن به دست می‌آورد» حجت‌الاسلام سید ضیاءالدین آقاجان‌پور؛ رئیس سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع

یادش گرمی و راه نورانی‌اش، پرهرو باد

از گذشته برای امروز

ارتقاء فرهنگ جامعه

ما باید هرچه سریع‌تر رشد فرهنگی را در سطح عموم ملت بالا ببریم. چرا که یک خطر اساسی ما را تهدید می‌کند و آن نسلی است که باید در آینده تداوم انقلاب به دست او انجام گیرد و امروز خیلی از گروه‌های منحرف آن را بازپچه خودشان قرار داده‌اند و افکارشان را مسموم می‌کنند و این نسل را آماده می‌کنند که برای دوره‌های بعد بتوانند انقلاب را در جهت خودشان برگردانند.

شهید دکتر عبدالحمید دیالمه

(مصاحبه با روزنامه صبح آزادگان)



کوچه پر فروغ و غناست هنوز / ناله غمناک است هنوز

مراسم فاطمیه اول
حیات میناق یا شهدا

حج الاسلام و مسلمین سوز نچے وعایت بنے
حاج میثم مطیعی و ماہین هلالت

۱۲ تا ۱۷ آذرماه به مدت ۶ شب از ساعت ۱۹:۳۰

بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، مسجد دانشگاه امام صادق (ع)

همراه با ویژه برنامه تحلیل سیاسی وقایع اخیر | به همراه هیئت نوجوانان

بیانیه فاطمیه

